

یادداشت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت روز عطار نیشابوری

تعادلی شگفت انگیز میان وجد عارفانه و تعهد انسانی

۲۵ فروردین در گاهشمار ایران، روز عطار نیشابوری نامیده شده است. به همین مناسبت، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، پیامی منتشر کرده است. در پیام عباس صالحی آمده است: «نکوداشت مفاخر و سرمایه‌های ارزشمند فرهنگی سرزمین ایران اسلامی، یادآوری توجه به داشته‌ها و ذخایر معرفتی و هویتی این مرز و بوم است. شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری از جمله این مفاخر بلندآوازه دروادی و شعرو ادب و عرفان است که نام و یادش ورد زبان و

رشحات قریحه و قلمش جلای جان و صفای روح و روان صاحب‌دلان و اهالی عرفان، معرفت و معنویت در سراسر گیتی است. او که با آثار گرانسنگ و ماندگار، از غزلیات پرشورش گرفته تا تذکرةالاولیای منثورش و از مختارنامه نغزش گرفته تا مثنوی‌های بدیع و پرمغزش همچون منطق الطیر و الهی‌نامه و اسرارنامه و مصیبت‌نامه، نام خود را به شایستگی و نیکویی بر جریده عالم معنا و معرفت انسانی به جاودانی و ماتانی رقم زده و در این وادی عارف و عامی

را وامدار و منت‌پذیر خویش ساخته است.» در ادامه این یادداشت می‌خوانیم: «آنچه در این مجال اندک پیرامون شخصیت و آثار عطار گفتنی است، توجه به جامعیت نگاه، ژرفای اندیشه و گستردگی مفاهیم و آموزه‌هایی است که او را در مرز آسمان و زمین، میان شور و وجد عارفانه و هنرمندانه و درک و دریافت و تعهد انسانی و اجتماعی، در تعادلی شگفت انگیز نگاه داشته است. نکته‌ای که می‌تواند سرمشق اصحاب فکر و فرهنگ و هنر در زمانه

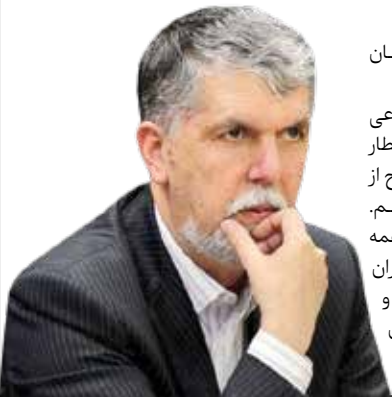
حاضر قرار گیرد.

اینک ماییم و گنجینه گرانقدری که از عطار بزرگ بر جای مانده تا در واقفسای روزگاری که در آنیم، جان و دلمان را به عطر و بویش خوش سازیم و جهان درمانده و پرتلاطم را به دارو و درمانش التیام بخشیم.»

در بخش پایانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از تلاش‌ها و کوشش پژوهشگران بخصوص استاد محمدرضا شفیعی کدکنی تشکر کرده است: «با قدردانی از کوشش‌های

علمی و ادبی دانشمندان و پژوهشگرانی که شناخت احوال و آثار این شخصیت بی‌بدیل و راجه همت و تلاش عالمانه و عاشقانه خویش ساخته‌اند، تلاش‌های عرفان‌پژوه و عطارشناس بزرگ، استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی که عمر گرانبمایه خود را بر سر تصحیح و تنقیح و انتشار آثار آن عارف بزرگ گذاشته و راه را بر جویندگان مشتاق ظرایف و دقایق ادبی و طالبان تشنه اسرار و حقایق ناب انسانی و آسمانی مندرج در شاهکارهای ادبیات عرفانی هموار ساخته

است، ارج نهاده و بر همت والای ایشان درود می‌فرستم. همچنین لازم می‌دانم از مساعی برگزارکنندگان آیین‌های بزرگداشت عطار در جای جای میهن اسلامی و خارج از کشور، سیاست‌گذاری و قدردانی نماییم. روز بزرگداشت عطار نیشابوری را به همه دوستداران آثار و مفاخر فرهنگی ایران بزرگ بویژه اصحاب و اهالی شعر و ادب و معرفت ایرانی و اسلامی در سراسر جهان تبریک می‌گویم.»



از پسر زهتاب «مادر» تا کارگردان آرام «زیر درختان زیتون»

گروه فرهنگی/ خیلی‌ها شعبون استخوانی را شاه‌نقش محمدعلی کشاورز در دوران بازیگری‌اش می‌دانند؛ در «هزار داستان» علی حاتمی، برخی منش و روش و استیلای پدران‌اش را در «پدرسالار» اکبر خواجویی ستایش می‌کنند و از آن در کنار خواجگزار اعظم «سلطان و شبان» داریوش فرهنگ و خواجه قشیری «سرداران» محمدعلی نجفی به عنوان درخشش واقعی محمدعلی کشاورز در تلویزیون یاد می‌کنند.

قدیمی‌ترها که در نیمه دوم دهه ۵۰ سریال «دایی جان ناپلئون» را به خاطر دارند احتمالا اقتدار پوشالی دایی جان سرهنگ را پیش از اینها در فهرست این لیست قرار دهند. تنها از یک سکانس در «آقای هالو» داریوش مهرجویی با آن بازی نرم و زیرپوستی‌اش در نقش یک دلال زمین تا نقش چشمگیرش در «کمال‌الملک»، «دلشدگان»، «جعفرخان از فرنگ برگشته» علی حاتمی و «ناصرالدین شاه اکتور سینما» ی محسن مخملباف و... محمدعلی کشاورز چنان وزن شخصیتی دارد که یکی دو انتخاب در کارنامه کاری‌اش را مشکل می‌کند.

با همه این احوال اگر قرار باشد به بهانه سالروز تولد او (۲۶ فروردین‌ماه) تماشای دو نمونه درخشان و متفاوت از حضور او در سینما را برای روزهای پایانی هفته پیشنهاد کنیم، اولی «مادر» علی حاتمی است و دیگری «زیر درختان زیتون» عباس کیارستمی.

آنهايي که شناختی اگر چه کوتاه از محمدعلی کشاورز دارند همچنان برایشان شگفت‌انگیز است که چطور کسی که با موسیقی و کتاب و تنهایی و خلوت زندگی کرده نقش‌های به یادماندنی همچون شعبون استخوانی و اسدالله خان را بازی می‌کند. ابراهیم خان «مادر» از همین دست نقش هاست.

محمدعلی کشاورز با شعبده‌بازی نقش یک مرد بازاری که تپ و منشی جاهلانه دارد را

را تصاحب خواهند کرد زیرا فیلم‌هایشان به اندازه فیلم گلوز انتقاد بی‌رحمانه و بواقع سلاخی موضوع نشده‌اند.

▪ کارمهم کوهن

باکا لوروا یک هنرپیشه بلغاری تازه‌کار است که با بازی موفقش در نسخه جدیدی از سری فیلم‌های طنز موسوم به «بورات» (و با نام کامل Borat Subsequent Movie film) به این موفقیت رسیده و البته این فرانچیز سینمایی بیشتر در تسخیر ستاره نخست و اصلی‌اش بوده که کسی نیست بجز ساشا بارون کوهن. از توفیق امسال کوهن همین بس که او علاوه بر درخشش تازه‌اش در دنیای کمدی «بورات» به سبب حضور قوی خود در فیلم دراماتیک «محاکمه شیکاگو ۷» نامزد اسکار نقش مکمل مردی شده تا اگر به سبب قدرت بیشتر رقبایش در شاخه بهترین بازیگران مرد نقش اول از نامزدی در آن قسمت باز مانده، در قسمت و بخشی دیگر از نودوسومین دوره اسکار به سوی این جوایز ویژه دورخیزی مجدد داشته باشد.

▪ وجه تفکیک یک فیلم خبرساز

چون پیشتر از فیلم «مبناری» یاد کردیم و از آنجا که این مطلب بیشتر متمرکز بر برترین‌ها و آثاری است که رکوردهای تازه‌ای خلق کرده‌اند، باید متذکر شویم که یکی از رقبای فیلم «مبناری» برای دریافت اسکار بهترین فیلم سال کاری خبرساز به‌نام «Tudas and the Black Messiah») است که یک وجه بارز و متفاوت با تمامی کاندیداهای قبلی جایزه اسکار برترین فیلم سال دارد و آن وجه این است که تمامی تهیه‌کنندگان این فیلم بدون استئنا سپاهپوست‌اند و این اتفاق در تاریخ ۹۳ ساله اهدای این جوایز هرگز رخ نداده بود. البته نه این فیلم و نه مبناری کاندیداهای اصلی و جدی فتح اسکار این رده به‌شمار نمی‌آیند و اقبال فیلم‌های «منک»، «نومالاند» و «محاکمه شیکاگو» برای این مهم بسیار بیشتر است.



ویولا دیویس امبدوار است با درخشش در فیلم تازه‌اش که پیرامون زندگی یک خواننده زن در ۱۰۰ سال پیش است. اسکار برترین هنرپیشه زن نقش اول را کسب و آن را ضمیمه رکوردش‌هایش کند

به پیروزی نرسیده سرانجام امسال به این جایزه نائل خواهد کرد و طلسم تلخ او را خواهد شکست. گلوز که به‌خاطر ایفای نقش یک مادر بزرگ غرغرو و بد دهان در «Hillbilly Elegy» فیلم کمدی رمانتیک اخیر ران هاوارد نامزد اسکار ۲۰۲۱ شده، می‌گوید: «من این کاندیدایی را به تمامی مادر بزرگ‌های جهان که پیوسته می‌کوشند و سختگیری می‌کنند تا فرزندان و نوه‌هایشان زندگی برابری داشته باشند، به رسم هدیه تقدیم می‌کنم.» در عین حال بسیاری از کارشناسان بر این باورند که قصه این فیلم و پیردازش آن ضعیف است و جالب‌تر اینکه گلن کلوز در عین کاندیدا شدن برای اسکار، نامزد جایزه «راتزی» هم شده که هر سال به بدترین فیلم‌ها و بازیگران اهدا می‌شود. کلوز بواقعی فقط سومین بازیگر تاریخ سینما به حساب می‌آید که به‌طور هم‌زمان هم کاندیدای اسکار شده و هم نامش میان نامزدهای راتزی دیده می‌شود. حمایتگران کلوز می‌گویند این موضوع سدی در راه پیروزی احتمالی وی در مراسم اسکار به‌حساب نمی‌آید زیرا او در یک مجموعه و محیط ناموفق، نمایش فردی موفق را ارائه داده است اما نظر سایرین این است که یوچونگ یون یا ماریا باکالووا اسکار نقش زن مکمل



استیون پیون از کره جنوبی با ایفای دلپذیر نقش‌اش در فیلم «مبناری» نامزد اسکار بهترین هنرپیشه مرد سال شده اما رقبای قدرتمندی دارد و شانس پیروزی‌اش اندک است

دی، لاکیت استن فیلد و لسلی اودوم جوئیور شش بازیگر مورد بحث هستند و در میان آنها دستاورد دیویس از همه بارزتر است زیرا از یک سو با کسب چهار کاندیدایی به پرنامزدترین هنرمند اسکاری در ۱۰ سال اخیر تبدیل شده و از جانب دیگر با این تعداد کاندیدا، بیشترین نامزدی را برای اسکار در میان هنرپیشه‌های زن سپاهپوست در تمامی تاریخ تجربه کرده است. دیویس کاندیدایی جدیدش را برای بازی در فیلم «Ma Rainys Black Bottom» به‌دست آورده که در آن نقش یک خواننده موسیقی سبک «بلوز» را در دهه ۱۹۹۰ یعنی ۱۰۰ سال پیش ایفا کرده و بسیار هم واقعی و باورپذیر نشان داده است.

▪ پیشنهادی کراهای

ویولا دیویس تنها «اولین» و تک ثبت‌کننده رکوردی تازه در میان نامزدهای اسکار امسال نیست و ریز احمد که به‌خاطر بازی در فیلم «صدای فلز» نامزد اسکار بهترین هنرپیشه مرد نقش اول شده، اولین هنرمند پاکستانی تبار است که به چنین توفیقی رسیده و یوچونگ یون از کره جنوبی هم که نامزدی‌اش برای اسکار نقش مکمل زن است، به اولین هنرپیشه زن این کشور تبدیل شده که کاندیدای این جایزه معتبر و البته تبلیغاتی شده است.

«آوازهای محلی ایرانی» در ۱۴۰۰

نداسنجانی خبرنگار

موسیقی اقوام ایران همچنان شنیدنی است از موسیقی آذربایجان گرفته تا نغمه‌های کردی، لری، گیلکی، مازنی و جنوب ایران. اما به تازگی آلبومی منتشر شده است که شنیدن آن خالی از لطف نیست و به مخاطبان موسیقی پیشنهاد می‌شود: آلبومی با عنوان «آوازهای محلی ایرانی» به آهنگسازی رضاولی از موسیقیدان باتجربه این حوزه. رضاولی در دانشگاه موسیقی و هنرهای نمایشی وین آهنگسازی آموخته‌دور دانشگاه پتسبرگ موفق به دریافت دکتری آهنگسازی و تئوری موسیقی شد. او طی سال‌ها فعالیت هنری‌اش آثار ارکسترال بسیاری اجرا کرده است. در خصوص آلبوم «آوازهای محلی ایرانی» باید گفت



این کار شامل ۲۶ قطعه است، دو دوره آهنگسازی رضاولی را بیان می‌کند و بنا بر آنچه در توضیح این آلبوم آمده، والی در اوایل سال‌های ۱۹۹۰ میلادی، از زبان موسیقایی مدرنیسم اروپایی فاصله گرفت و تمرکز خود را روی آثاری بر اساس موسیقی محلی ایران قرار داد و این آثار شامل ۱۷ مجموعه مختلف

می‌شوند که برای آنسامبل‌های متفاوت نوشته شده‌اند. دیگر آوازهای محلی (مجموعه شماره ۹)، آوازهای محلی (مجموعه شماره ۸)، آوازهای محلی (مجموعه شماره ۱۵)، گوارتت زهی شماره ۴ قطعه‌هایی هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند و همچنین قطعات (سه‌گانه، دوپل کنتسرتواری نی، گمانچه و ارکستر» و «گوارتت زهی شماره ۲ آداجو» بخش‌های دیگری از این آلبوم را تشکیل می‌دهند. در واقع «آوازهای محلی ایرانی» شامل دوسوی دی است که لوح اول، نهمین مجموعه از سلسله آوازهای محلی ایران است که آواز سال ۱۹۷۸ نوشتن آن را در دست گرفت که برخی از آهنگمینی بر ملودی‌های محلی ایرانی اصل بوده و برخی به سبک آوازهای محلی تخیلی ساخته شده‌اند. لوح دوم، برای گوارتت امریکای لاتین نوشته و در سال ۱۹۹۴ کامل شد. این بخش، یازدهمین مجموعه از سلسله آوازهای محلی ایران است. این آلبوم فروردین ماه امسال از سوی مؤسسه فرهنگی هنری ماهر منتشر شد.



آوازهای محلی ایرانی آهنگساز رضاولی ناشر ماهر سال ۱۴۰۰

و شر نوشته است. افزون بر این تلاش کرده تاز فضای روشنفکری آن دوره و صحبت‌های افرادی همچون دکتر سروش و حتی شرایط حاکم بر تفکرات قشر دانشگاهی بویژه رشته‌های علوم انسانی و ادبیات را پیش روی مخاطبان بگذارند. آنچه درباره جوانان این دهه در «تخم شر» خودنمایی می‌کند، سردرگمی‌شان میان مفاهیم و مضامینی است که مفهور آنها بیش از دستیابی به خود تازه‌ای، گم‌شدن‌اند. از سوی دیگر سلیمانی به بهانه‌های مختلف نقبی هم به آثار مشهور ادبی جهان و از سویی افسانه و اسطوره‌ها زده، هر چند که این مساله تأثیر منفی بر درک مخاطب از مضامینی که مورد توجه وی بوده نگذاشته و یادآورنده بدون نیاز به مطالعات قبلی هم می‌تواند این زمان را خواننده ولذت ببرد. سلیمانی در راستای زیر پا گذاشتن برخی تابوهای اجتماعی- فرهنگی هم کوشیده، بویژه آنجا که ماهرخ برای گذر از تصویری که طی سال‌ها از زن خوب و همسر فداکار به زن‌ان تخیمل شده تلاش می‌کند. نکته آخر این که عنوان کتاب تنها در یک بخش مخصوص داستان خودنمایی نمی‌کند، در قسمت‌های مختلف روایت زندگی ماهرخ و سهراب می‌توانید به مصداق‌های مختلفی از «تخم شر» برسید.

▪ «تخم شر» نویسنده: بلقیس سلیمانی

▪ ناشر: ققنوس

«تخم شر» تا نزدیک‌ترین نوشته بلقیس سلیمانی است که اواسط زمستان گذشته روانه کتاب‌فروشی‌ها شد؛ زمانی با بن مایه‌های فلسفی که همچون دیگر نوشته‌های سلیمانی در آن شاهد حضور پررنگ زنان هستیم. البته «تخم شر» تنها یک قهرمان اصلی ندارد؛ ماهرخ و سهراب دو شخصیت اصلی آن هستند که هم‌زمان داستان را پیش می‌برند. همان ابتدای داستان یک نزاع سرنوشت آنان را به هم گره می‌زند و طی ۲۷۲ صفحه قرار است با وقایع یک دهه زندگی آن دو روبه‌رو شوید. اما یکی از بارزترین نقاط مشترک این زمان با دیگر نوشته‌های سلیمانی را می‌توان در توجه ویژه‌ای دانست که اغلب به جغرافیا و فرهنگ «گوران» کرمان دارد؛ ماهرخ دختری گورانی است و سهراب هم متولد بافت که البته بخشی از زندگی‌اش در تهران سپری شده است. ماجراهای زمان طی دهه هفتاد رخ می‌دهد و اوایل دهه هشتاد با اتفاقی غیرمنتظره به پایان می‌رسد. سلیمانی در این کتاب برخلاف دیگر داستان‌ها و زمان‌هایی که از او سراغ داریم به سراغ سیاست و مسائل اجتماعی برخاسته از آن رفته و «تخم شر» را بر محور مفاهیمی همچون عشق، خیر

درباره «قصه ظهر جمعه» نمایشنامه‌ای که همچنان خوب است

تکا پو در کلمات دهه شصت

محسن یو الحسنی خبرنگار

محمد مساوات در پرونده حرفه‌ای‌اش کار درخشان کم ندارد اما یکی از اینها برای من متفاوت‌تر از تمام کارهای اوست و می‌توانم مدام بنشینم و تماشايش کنم کما اینکه متن



مکتوبیش هم البته کم از اجرای صحنه‌ای‌اش ندارد. صحبت از «قصه ظهر جمعه» است که اولین بار سال ۱۳۹۳ آن را خواندم و بعدها به تماشای اجرای این نمایشنامه به کارگردانی نسیم ادبی هم نشستم و تک‌تک کلمات روی صحنه انگار که با بازیگران نمایش راه می‌رفتند، قصه، از سال ۱۳۶۹ شروع می‌شود و داستان دختری که در روز عروسی‌اش زخم‌ها و اختلافات خانوادگی سر باز می‌کند و درگیری بین شخصیت‌های نمایشی اوج می‌گیرد و در حالی که پدر خانواده و بیمار و بیوهش روی تخت افتاده، همه هم نگران پدر خانواده هستند و هم به‌هم خوردن مراسم عروسی، همه چیز در این نمایش دهه شصتی است. از تیپ‌ها و مراوده‌ها گرفته تا ماجرای که بیشتر ریشه در این دهه دارد و اعضای خانواده هم به شکلی زیرپوستی نمایندگی تیپ‌های مختلف در دورانی خاص را به عهده دارند و بین‌شان هم طیف مذهبی به چشم می‌آید و هم طیف خوشگذران؛ اما ماجرای اصلی، ماجرای همان دختر کوچک خانواده است و مراسم ازدواجش.



چنان اجرا می‌کند که اقتدار و زورگویی و حسرت را توأمان دارد. جالب این که همین فیلم علی حاتمی تنها فیلمی است که عباس کیارستمی پیش از انتخاب محمدعلی کشاورز در حافظه دارد. او که در میهمانی خانوادگی با محمدعلی کشاورز آشنا شده تحت تأثیر شخصیت واقعی این بازیگر، نقش کارگردان «زیر درختان زیتون» را به او پیشنهاد می‌دهد. فیلمی که ریسکی بزرگ هم برای کارگردانی است که از همکاری با بازیگرهای حرفه‌ای بددت پرهیز داشته و اصطلاح نابازیگر با آثار او جا افتاده است و همه برای بازیگری که قرار است یک تنه با همه آنها همبازی شود، نتیجه این همکاری و ریسک به یکی از بهترین و متفاوت‌ترین بازی‌های محمدعلی کشاورز بدل می‌شود و جمع نقیضین پسر زهتاب «مادر» یا شعبون استخوانی «هزار داستان» و نقش کارگردان آرام و به ظاهر خیرخواهی که حکمتی پنهان در پس حرف‌ها و خواسته‌هایش وجود دارد را با «زیر درختان زیتون» در کارنامه کاری‌اش ثبت می‌کند.